

چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم

محمدعلی بابایی^۱

علی نجیبیان^۲

چکیده

پیشگیری وضعی به عنوان یکی از روش‌های پیشگیری، به مجموعه‌ی تدابیری اطلاق می‌شود که کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار داده است. یکی از دلایل اقبال به این نوع پیشگیری، ناکارآمدی پیشگیری اجتماعی است. این نوع پیشگیری، هرچند فرایند گذار از اندیشه به عمل را با مانع مواجه می‌کند، اما خود با موانع و محدودیت‌هایی همراه است که کارایی آن را کمرنگ می‌نماید. افزون بر ملاحظات حقوق بشری، این محدودیت‌ها عبارتند از: تحمیل هزینه و ایجاد مسؤولیت برای بزه‌دیدگان، ایجاد ترس از جرم، هم‌چنین ایجاد اضطراب و ترس در افراد ضعیف و ناتوان از مشکلات ناشی از اجرای راهکارهای پیشگیری وضعی است. هم‌چنین جابه‌جایی جرم، امری که سبب تغییر عمل مجرمانه در زمان، مکان، شیوه‌ی ارتکاب و نوع جرم ارتكابی می‌شود؛ به عنوان یکی از چالش‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی، چالش‌های پیشگیری وضعی، حقوق

بشر، آماج جرم، حریم خصوصی.

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

درآمد

پیشگیری از جرم چند دهه‌ای است که به یکی از موضوعات مهم در مطالعات جرم‌شناسی تبدیل شده است. این موضوع را می‌توان حتی در آثار مدون سیاست‌های کنترل جرم که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی اعمال می‌شود، ملاحظه کرد.^۱ امروزه نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته، پیشگیری از جرم را به عنوان رویکردی بهینه و مؤثر در مقابل تدابیری مانند اشکال متنوع نظارت و اجرای عدالت کیفری به رسمیت شناخته و در قالب برنامه‌های متنوع اجرا می‌نمایند.

در عصر حاضر نیز صحبت از پیشگیری از جرم، غالباً مفاهیمی چون تغییر در جامعه، دگرگون‌سازی بافت شهری، تعارضات موجود میان گروه‌های مختلف اجتماعی، تعارضات میان کنشگران دستگاه‌های مختلف، توسعه‌ی تکنولوژی و طراحی شهری را به ذهن متبادر می‌سازد. در حقیقت می‌توان گفت امروزه سیاست پیشگیری از جرم، بیش از گذشته با تغییرات اجتماعی همراه بوده است؛ این سیاست در شناسایی انواع مختلف تدابیر موجود برای بررسی جرم نقش مهمی ایفا می‌نماید.

در بین شیوه‌های مختلف پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی در کنار شیوه‌های پیشگیری اجتماعی، از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی مطرح، نظریه‌پردازی شد و به اجرا درآمد. اقدام‌های پیش‌گیرانه‌ی وضعی ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه‌ی ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل می‌نماید (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۴).

عده‌ای از جرم‌شناسان، پیشگیری وضعی^۲ را مجموعه‌ی اقداماتی می‌دانند که با محوریت اشکال خاصی از جرم و با اتخاذ تدابیری از قبیل مدیریت، طراحی یا

۱. از برجسته‌ترین طرح‌های مبتنی بر کنترل جرم، برنامه‌های وزارت کشور انگلستان از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی است که با توجه به مبانی پیشگیری وضعی، کنترل جرم را دنبال می‌نمود. امروزه این رویکرد در آمریکا به تبعیت از همین دیدگاه، توسط آقای کلارک در مرکز مطالعات پیشگیری پلیس آمریکا در حال اجرا می‌باشد. برای آگاهی از مطالعات صورت گرفته در این حوزه بنگرید به:

<http://www.popcenter.org>

۲. برای این نوع پیشگیری معادل‌هایی مانند «پیشگیری موضعی»، «موقعیتی» یا «وضعیتی» نیز در این مورد به کار برده می‌شود؛ شاید به دلیل تبادر برخی معانی رایج، واژه‌ی «وضعی» رجحان داشته باشد (صفاری، ۱۳۸۱: ۲۶۵).

مداخله‌ی فوری در محیط به صورت هدفمند و دائمی اجرا می‌شوند، به گونه‌ای که تا حد ممکن موقعیت‌ها و فرصت‌های جرم را کاهش داده و خطرات آن را که توسط طیف وسیعی از بزهکاران، ملموس و عینی است، افزایش می‌دهد (Clark, 1995: 88). به تعبیر این جرم‌شناسان، پیشگیری وضعی از جرم به دنبال کاهش فرصت‌ها برای گروه‌های خاصی از جرایم همراه با افزایش خطرات و مشکلات ارتکاب چنین جرایمی و کاهش سود ناشی از آن است (Clark, 1995: 91).

طرح پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه‌ی علمی، اصالتاً تأسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های «کلارک»،^۱ «می‌هیو»^۲ و «کرنیش»^۳ مطرح شد و سپس توسعه یافته است. دو نفر اول، در کتابی با عنوان «طراحی عاری از جرم»^۴ در سال ۱۹۸۰ و کلارک و کرنیش نیز در کتاب دیگری با نام «منطق بزهکار: دورنمای انتخاب معقول در زمینه‌ی بزهکاری»^۵ به سال ۱۹۸۶، به طرح و تحلیل آن پرداخته‌اند (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۱)؛ حال آن که پیشگیری وضعی از جرم، ریشه‌ی اصلی خود را از تحقیقات وزارت کشور انگلستان که در سال ۱۹۷۰ انجام شد، به عاریه گرفته است (Clark, 2003: 39). توسعه‌ی پیشگیری وضعی از جرم در نتیجه‌ی مطالعات صورت گرفته در خصوص مؤسسات اصلاح و درمان توسط واحد تحقیقات وزارت کشور - دایره‌ی تحقیقات جرم‌شناسی دولت بریتانیا - در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، سرعت بیشتری یافت (Clarke, 1985: 120). اما این فعالیت‌ها با ناکارآمدی اقدامات اتخاذ شده توسط رویکردهای بازپرانه اثر خود را از دست داده (Brody, 1996: 95) و محققان را بر آن داشت تا فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت در سیاست جنایی را زیر سؤال برده و دامنه‌ی تأثیرات دیگر اشکال کنترل جرم را بازبینی نمایند. بازبینی در این حیطه منجر به این نتیجه شد که کاهش جرم از طریق اصلاح سیاست‌های طرد بزهکاران، استفاده از مجازات‌های بازدارنده، هم‌چنین سیاست‌های پیش‌گیرانه‌ی اجتماعی، نامطلوب و غیرقابل اجرا، جلوه کند (Tilley, 1993: 40). این مطلب را می‌توان از مقاله‌ی مارتینسون به

1. Ronald V. Clarke
2. Patricia Mayhew
3. Derek B. Cornish
4. Design Out Crime
5. The Reasoning Criminal; Rational Choice Perspective on Offending.

سال ۱۹۷۴ میلادی، نیز دریافت؛^۱ این مقاله بر این موضوع مبتنی است که هیچ چیز یا هیچ یک از شیوه‌های برخورد با مرتکبان جرایم کارآیی ندارد. هر چند نظریه‌ی مارتینسون پایدار نماند و منتقدان آن، نظریه‌ی "Something Works" - مبنی بر اثرگذاری نسبی تدابیر بازپرورانه - را مطرح نمودند، اما محققین و شاید بیش از آن دست‌اندرکاران سیاست جنایی کشورها را بر آن داشت تا به دنبال جانشین‌های کیفری رسمی یا قانونی باشند و مشروعیت نظام کیفری را که در اثر انتقادات شدید، لزان شده بود، بار دیگر تثبیت و استوار گردانند (Brody, 1996: 273)؛ شاید بتوان گفت که پیشگیری وضعی نیز یکی از آثار همین اقدامات بوده است.

پس از تجربه‌ی دوره‌های مختلف سیاست جنایی، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که روش‌های سنتی مبارزه با جرایم، یعنی اعمال قوانین کیفری توسط دستگاه قضایی و پلیس و حتی اعمال روش‌های اصلاحی و تربیتی در مکان‌های بسته مانند زندان و مؤسسات زندان گونه یا وابسته به آن، در پیشگیری از وقوع جرم و یا کاهش آن نتیجه‌ی چندانی نداشته است. در فرآیند بررسی سیاست بازپروری بزه‌کاران نیز این نتیجه به دست آمد که احتمال فرار یا ارتکاب بزه مکرر توسط جوانان - در حالی که در مرکز مراقبت یا مدرسه‌ی آموزشی سکونت دارند - بیشتر به ماهیت مؤسسه بستگی دارد تا این که از شخصیت یا سابقه‌ی وی بروز نموده باشد (Tizard, 1975:153). لذا توصیه شد، اگر بتوان اقدامات نامناسب این مؤسسات را با رویکردی نظری و با استفاده از عوامل وضعی کنترل نمود، می‌توان امید داشت تا برخی از اشکال جرم تا حدودی کاهش یابد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت که ضرورت و اهمیت بحث پیشگیری و به ویژه پیشگیری وضعی از یک سو به این دلیل است که این نوع پیشگیری نتایج بهتر و هزینه‌ی کمتری را برای جامعه به همراه داشته، بار کمتری را بر دوش افراد جامعه تحمیل می‌نماید و از سوی دیگر، با توجه به بازدهی سریع‌تر این شیوه‌ی پیشگیری، در کشور ما از سوی مسئولان قضایی و نیروهای انتظامی شیوه‌ی مذکور با استقبال بیشتری مواجه شده است.

1. Martinson, R., "What Works? - Questions and Answers about Prison Reform", The Public Interest, 1974: 22-54.

به طور کلی باید گفت که تدابیر پیش‌گیرانه دارای نتایج قطعی نیستند، لذا به رغم استفاده از شیوه‌های پیش‌گیرانه‌ی وضعی مانند طراحی محیط، مصونیت‌بخشی بزه‌دیدگان، حفاظت الکترونیکی آماج و کنترل بزهکاران (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۶)، بزهکاری مهار نشده و افزایش جرم در جوامع ملموس است. شاید بعضی از علل عدم کارایی تدابیر پیشگیری وضعی ناشی از محدودیت‌های این تدابیر باشد؛ موضوعی که در این نوشتار با عنوان چالش‌های جرم‌شناختی از آن یاد می‌شود؛ برخی از چالش‌ها نیز در ملاحظات حقوق بشری ریشه دارد که تحت عنوان چالش‌های حقوق بشری بررسی می‌شود.

بر این اساس نوشتار حاضر درصدد است تا با تبیین چالش‌های مذکور در زمینه‌ی پیشگیری وضعی، ایرادهایی را که بر این نوع تدابیر حاکم است، ارزیابی نموده و نقاط ضعف آن را تبیین کند.

۱. چالش‌های جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم

از دیدگاه جرم‌شناختی، پیشگیری وضعی با محدودیت‌هایی مواجه است که در عمل موجب عدم کارایی آن شده است. این محدودیت‌های جرم‌شناختی را می‌توان در برخورد محافظه‌کارانه و سطحی با جرم، عدم جامعیت آن در تحت پوشش قرار دادن تمام جرایم، فرصت‌مدار بودن و مواردی از این قبیل مشاهده نمود که بدان پرداخته می‌شود.

۱-۱. مقابله‌ی محافظه‌کارانه با جرم

بسیاری از منتقدان معتقدند: پیشگیری وضعی، اذهان را از ریشه و علل اصلی جرم منحرف نموده است، لذا این تدابیر را به اقدام محافظه‌کارانه با جرم، با رویکردی اداری^۱ متهم کرده‌اند. این انتقادات با عنوان «جرم‌شناسی‌های اداری»^۲ و در تحقیقات وزارت کشور انگلستان ریشه دارد (Lilly, Cullen, Ball, 2007: 87). به عبارت دیگر، این نوع پیشگیری به جای این که توجه خود را به ریشه‌یابی علل جرم و بزهکاری در جامعه معطوف نماید و با شناسایی این عوامل و زمینه‌ها، سیاست

1. Administrative Approach.
2. Administrative Criminology.

جنایی مناسب را در قبال آن‌ها، در پیش‌گیری، به گونه‌ای دیگر اقدام نموده و رو به اقداماتی موقتی می‌آورده و راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌نماید که ممکن است ارتباط چندانی با کاهش جرم نداشته باشد.

به واقع در این شیوه‌ی پیش‌گیری از جرم، دست‌اندرکاران و مجریان، در مقام ریشه‌یابی علل و عوامل جرم نبوده، بلکه همواره در تلاشند با ارائه‌ی راه‌کارهایی برای ارتکاب جرم، مانع ایجاد نمایند و به تعبیری ارتکاب جرایم و نرخ آن را به گونه‌ای که برای جامعه قابل تحمل باشد، مدیریت کنند.

۲-۱. عدم شمول جرایم غیر عمدی

این‌که همه‌ی اعمال مجرمانه سنجیده شده و با ابتدای بر ارزیابی قبلی یا سازمان یافته ارتکاب می‌یابند، صحیح نیست؛ زیرا بسیاری از جرایم بدون برنامه‌ریزی و محاسبه (مانند کیف‌زنی) و یا غیر عمدی (مانند جرایم رانندگی) هستند (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۲۰۷۵).

مسئله‌ی جرایم غیر عمدی و به ویژه جرایم ناشی از بی‌احتیاطی، اندکی متفاوت از جرایم دیگر است؛ این امر مبین محدود بودن وسایل و ابزارهای پیش‌گیری وضعی است؛ چرا که در این‌گونه جرایم، اراده و قصد دایر بر ارتکاب جرم وجود ندارد تا با اقدامات پیش‌گیرانه‌ی وضعی در صدد جلوگیری از آن‌ها برآمد. با این حال، پیش‌گیری از تصادفات رانندگی و قتل‌ها و ضرب و جرح‌های ناشی از بی‌احتیاطی، در قالب اقدام‌های اولیه‌ی پیش‌گیری، از قبیل بهبود شبکه‌ی راه‌ها، بهبود علائم راهنمایی و رانندگی، محدود نمودن سرعت خودروها، همواره ممکن است. اما آیا می‌توان در قبال خطاهای بی‌احتیاطی نیز تدابیر ثانویه‌ی پیش‌گیری وضعی را اتخاذ نمود؟ در واقع مشکل ناشی از رابطه‌ی تنگاتنگی است که به اعتقاد نظریه‌پردازان پیش‌گیری وضعی، میان این نوع پیش‌گیری و نظریه‌ی انتخاب عقلانی و منطقی بزهکاران وجود دارد (Cornish, Clarke, 1985, Vol. 16: 124).

اصولاً در جرایم ناشی از بی‌احتیاطی، اراده مفقود بوده یا دست‌کم مرتکب هرگز به دنبال تحقق نتیجه‌ی مجرمانه نیست. حتی زمانی که خطای ناشی از بی‌احتیاطی با نوعی عمد همراه است؛ مانند راننده‌ی اتومبیلی که دائماً با سرعت بیش از حد مجاز

حرکت می‌کند، حصول نتیجه، مد نظر فاعل نیست؛ چه رسد به این که تصادف، ناشی از یک خطای ساده بر اثر بی‌توجهی باشد. در این مورد، تمام رانندگان تجربه‌ی مشابهی را به هنگام رانندگی کسب می‌کنند: با رعایت دقیق مقررات راهنمایی و رانندگی، می‌توانند از ارتکاب خطا اجتناب کنند، اما هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که راننده‌ی دیگری که از مقابل یا پشت سر می‌آید یا درصدد سبقت است، مرتکب بی‌احتیاطی شدید منجر به تصادف و ضرب و جرح یا مرگ نمی‌شود. در واقع تنها چیزی که راننده در اختیار دارد تا بدان وسیله در معرض بی‌احتیاطی دیگران در جاده‌ها واقع نشود، این است که در خانه بنشینند، و از هرگونه مسافرت چشم‌پوشی نماید؛ مسلماً در چنین مواردی نمی‌توان از پیشگیری وضعی سخن به میان آورد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱۷).

با بررسی دقیق عملیات یا تدابیر مختلف پیشگیری وضعی، این واقعیت به اثبات می‌رسد که صرف نظر از نتایج حاصله از پیشگیری وضعی مشتمل بر موفقیت، شکست یا نتایج مختلط نه مثبت و نه منفی، این نوع پیشگیری به جرایم عمدی مانند خشونت علیه اشخاص^۱، انواع مختلف اعمال ویران‌گرانه،^۲ تقلب^۳ و سرقت^۴ مربوط است و در جرایم غیرعمدی محملی ندارد. در توجیه این امر گفته شده است، در جرایم غیرعمدی به دلیل این که بین مرتکب و بزه‌دیده رابطه‌ای وجود ندارد و این گروه از جرایم در یک لحظه و بدون تصمیم‌گیری قبلی ارتکاب می‌یابند، لذا پیشگیری وضعی کاربردی ندارد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۵۲).

با این وجود، به نظر می‌رسد جلوه‌هایی از پیشگیری وضعی در جرایم غیرعمدی وجود دارد؛ از جمله می‌توان به ماده‌ی ۹۱ قانون کار^۵ اشاره نمود. این ماده با تأکید بر حفاظت فنی کارگاه‌ها و تأمین سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار،

1. Violence against Person
2. Vandalism
3. Fraud
4. Theft

۵. «کارفرمایان و مسؤولان کلیه‌ی واحدهای موضوع ماده‌ی ۸۵ این قانون مکلفند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعمل‌های مربوط کارگاه می‌باشند.»

مجازات‌هایی را برای متخلفان در نظر گرفته است. ضمن آن‌که، برای جلوگیری از بزه‌دیدگی کارگران، کمیته‌ای را مأمور مراقبت و نظارت بر رفع خطرات مزبور نموده است.

ملاحظه‌ی برخی از مواد قانون کار و مقررات مشابه، مؤید آن است که می‌توان از جرایم غیرعمدی نیز پیش‌گیری وضعی نمود، هر چند در جرایمی که از روی سهل‌انگاری یا بی‌احتیاطی ارتکاب می‌یابد، مرتکب در زمان فعل مجرمانه دارای حالت هوشیاری و یا گزینش عقلانی نیست؛ اما در مواردی که یک فعل غیرارادی، ناشی از تمهید مقدمه در نتیجه‌ی فعل ارادی دیگری است، امکان پیش‌گیری وضعی بر مبنای نظریه‌ی انتخاب عقلانی قابل توجیه است؛ مانند آن که فرد عمداً خود را برای ارتکاب جرم مست کرده و یا در حال عصبانیت و یا خستگی مفرط رانندگی کند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۵۶).

با طرح چنین نظریاتی در خصوص شمول یا عدم شمول اقدامات پیش‌گیرانه در خصوص جرایم غیرعمدی باید به دو نکته توجه نمود؛ نخست این‌که، فلسفه‌ی اصلی به کارگرفتن پیش‌گیری وضعی، کاستن از میزان جرایم اعم از جرایم عمدی و غیرعمدی است؛ در این میان برخی از جرایم به دلیل داشتن ساختار خاص مانند جرایم غیرعمدی که فاقد قصد مجرمانه و مبتنی بر تقصیر، اهمال و خطای جزایی‌اند، از شمول این تدابیر خارج می‌شوند؛ لذا نمی‌توان به این قسم از پیش‌گیری به این لحاظ خدشه نمود. دوم این‌که برخی از جرایم غیرعمدی به گونه‌ای‌اند که فرد توانایی پیش‌بینی نتایج مخاطره‌آمیز آن را دارد. در این قسم جرایم می‌توان با شناسایی اقدامات مخاطره‌آمیز و با ایجاد مانع در مسیر تحقق آن‌ها، اقدامات پیش‌گیرانه را پیش‌بینی کرد. با این وصف، محدودیت شمول این نوع پیش‌گیری نسبت به طیف گسترده‌ای از جرایم غیرعمدی انکارناپذیر است.

۳-۱. فرصت‌مدار بودن

موقعیت‌مدار بودن نیز ایرادی است که بر پیش‌گیری وضعی مترتب می‌شود؛ این موضوع با دامنه‌ی شمول و قلمرو اجرای این نوع پیش‌گیری مرتبط است. به نظر برخی از جرم‌شناسان، رویکرد وضعی، فقط جرایمی را در بر می‌گیرد یا به

عبارت دقیق‌تر در خصوص جرایمی قابل اعمال است که فرصت‌مدار^۱ یا به تعبیری موقعیت‌مدار هستند؛ در حالی که بسیاری از جرایم شدید و خشونت‌آمیز بیش از آن که «فرصت‌مدار» باشند، تابع احساسات و کشش‌های درونی‌اند (Cornish, Clarke, 1985, Vol. 16: 448؛ صفاری، ش ۳۳-۳۴: ۲۹۷-۲۹۸)

به طور کلی، فرصت‌مدار بودن در پیشگیری وضعی، دو مفهوم را با خود به همراه دارد؛ نخست این‌که، همه‌ی جرایم فرصت‌مدارند؛ بدین معنی که بزه‌کار در مسیر رسیدن به قصد مجرمانه‌ی خویش، در فرصتی مناسب اقدام خود را عملی می‌نماید؛ بنابراین ایراد مذکور منتفی به نظر می‌رسد. در این مفهوم، فرصت‌مداری بدین معنی است که ارتکاب جرم در کنار وجود مرتکب موصوم، به وجود یک هدف یا آماج بدون دفاع یا محافظ نیز نیاز دارد؛ بنابراین همه‌ی جرایم فرصت‌مدار هستند. اما آن‌چه مقصود خدشه‌کنندگان به رویکرد پیشگیری وضعی است، معنی دیگر فرصت‌مدار بودن یعنی همان مفهوم کسب سود مادی است. مقصود آن گروه از جرایمی است که ارتکاب آن‌ها نوعاً تابع به وجود آمدن فرصت مناسب در معنی جذب سود (عموماً مادی) و خطر کمتر برای مرتکب است (Cornish, Clarke, 1985, Vol 16: 456).

نمونه‌ی موقعیت‌مدار بودن در مفهوم دوم، جرم سرقت است؛ جرم قتل با سبق تصمیم نیز از جرایم غیرفرصت‌مدار در معنی دوم فرصت است. در جرم نخست، هدف غایی مرتکب تحصیل سود مادی است که از ربودن هر هدف مادی حاصل می‌شود؛ چنین اهدافی فراوانند؛ اگر یکی از اهداف در دسترس نباشد و یا دسترسی به آن متضمن خطر و ضرر بیشتر باشد، مرتکب به دنبال هدف جایگزین خواهد رفت. اما در مثال قتل، در اغلب مصادیق آن، قاتل به دنبال شخصی خاص با توجیهی خاص است و تمام افراد به عنوان هدف قتل در نظر او یکسان نیستند؛ مانند آن‌که قاتل به دنبال همسر خائن خود است یا به دنبال قاتل فرزند خود است و نه به دنبال هر همسری و یا هر قاتلی.

به نظر می‌رسد، در این موارد به دلایل بسیاری، پیشگیری دشوار یا غیرممکن است؛ زیرا، هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی قرار است به عنوان یک همسر خائن کشته

1. Opportunistic.

شود؛ حتی در فرض مشخص بودن، امکان حفاظت از او وجود ندارد و یا اگر ممکن باشد، نهادهای رسمی مانند پلیس و قوه‌ی قضاییه در این مورد، به دلیل عدم وجود تکلیف قانونی صریح، کمتر قبول مسؤولیت می‌نمایند. حتی در فرض پذیرش مسؤولیت، مانند حفاظت از شخصیت‌ها یا تهدید، چنین امری ممکن است متضمن صرف هزینه‌ی گزاف بوده و به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه رساند. واقعیت این است که چنین احتمالی، یعنی عدم امکان پیش‌گیری از طریق اقدامات وضعی یا وضعی، بیش از آن که واقعی باشد، بر فرض و احتمال مبتنی است (صفاری، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

به بیان دیگر پیش‌گیری وضعی جرایمی را شامل می‌شود که بر سود و زیان مبتنی بوده و یا لاقلاً سود و زیان در آن‌ها نقشی تعیین‌کننده دارد، در حالی که جرایمی که نه به انگیزه‌ی مالی بلکه به دلایل حیثیتی رخ می‌دهد، به دلیل این که بر پایه‌ی سود و زیان حاصل از جرم استوارند، اعمال تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی برای آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۴-۱. عدم شمول همه‌ی آماج‌ها

شاید این ایراد پیش‌گیری وضعی از ساده بودن و یا به تعبیر دیگر ناکافی بودن اقدامات پیش‌گیرانه‌ی وضعی با توجه به فن‌آوری‌های نوین و مسائل جدید ناشی می‌شود؛ چرا که اقدامات پیش‌گیری وضعی فقط آماج‌ها یا موضوعاتی را شامل می‌شود که در عالم خارج و به شکل ملموس وجود داشته باشد و در خصوص آماج‌های معنوی، مانند شخصیت و یا حق طبع، راهکاری را عرضه نمی‌کند. به طور کلی، آماج در پیش‌گیری وضعی دارای دو مفهوم است. در مفهوم نخست، اشیاء را شامل می‌شود و در مفهوم دوم، افراد نوع بشر را مدنظر دارد (Clarke, 1995: 101). «آماج‌ها- موضوع‌ها» یا حتی وسایل، از این جهت، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: آماج‌های مادی مانند پول یا جسم اشخاص و آماج‌های فکری یا معنوی که طیف متنوعی چون کرامت شخص، خلوت و زندگی خصوصی، حیثیت او یا در مقوله‌ای کاملاً متفاوت، اطلاعات، آفرینش‌های فکری و غیره را در بر می‌گیرد (صفاری، ۱۳۸۰، ش ۳۳-۳۴: ۳۰۱).

تردیدی نیست که پیشگیری وضعی ممکن است نسبت به آماج‌های مادی مختلف اجرا شود، مشروط بر این‌که با هر نوع از آماج‌ها همان‌گونه، که کلارک معتقد است (Clarke, 1995: 148)، انطباق داده شود. اما تصور این‌که آماج‌های غیرمادی مانند حیثیت، شهرت، اطلاعات و یا آفرینش فکری بتواند موضوع اقدام‌های خاص پیشگیری وضعی واقع شود، دشوار است؛ هم‌چنین است مواردی که ارتکاب جرایم غیرمادی، مستلزم توسل به وسایل مادی نباشد، مانند افشای اسرار حرفه‌ای و شغلی؛ امری که به نظر می‌رسد، پیشگیری وضعی نسبت به آن‌ها متصور نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱۷).

در خصوص قسم نخست، یعنی آماج‌های مادی، در امکان استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی نسبت به آن‌ها تردیدی نیست، اما در مورد آماج‌های معنوی، کلارک معتقد است: به دلیل عدم امکان پیش‌بینی وقوع این‌گونه جرایم و قابل شناسایی نبودن فرصت‌ها و موقعیت‌ها، طبعاً تغییر آن‌ها میسر نبوده و تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی، کاربردی نخواهند داشت (Clarke, 1997: 165) به عقیده‌ی وی به دشواری می‌توان تصور کرد که آماج‌های غیرمادی مانند شهرت، حیثیت یا اطلاعات و آفرینش فکری، موضوع تدابیر خاص پیشگیری وضعی قرار گیرند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۴۴).

بر این اساس، پیشگیری وضعی در خصوص آماج‌های معنوی مانند شهرت و مسائلی این‌چنینی راه‌حلی ندارد. در همین راستا برخی از منتقدان این ایراد کلی را مطرح کرده‌اند که اصولاً ارزش‌های اخلاقی و آماج‌های غیرمادی در تدوین و ارائه‌ی این روش‌ها کاملاً نهادینه نشده‌اند و عدم کارایی در آن‌ها مشهود است.

۵-۱. عدم شمول تمامی بزهکاران

منتقدان، نظریه‌ی پیشگیری وضعی را صد در صد بر نظریه‌ی انتخاب عقلانی مبتنی دانسته و معتقدند این نظریه در مورد بزهکاران نابخردی مانند بیماران روانی که تحت تأثیر یک فشار درونی شدید مرتکب جرم می‌شوند، صادق نمی‌باشد؛ زیرا چنین بزهکارانی با نظریه‌ی انتخاب عقلانی سنخیتی ندارند و رفتار مجرمانه‌ی آنان تا حد زیادی غیرعقلانی و غیرمنتظره است. از طرفی رفتار این افراد از پیش مشخص نبوده تا در صدد از بین بردن فرصت‌های بزهکاری آنان برآمد. بدین ترتیب، تدابیر

پیش‌گیرانه‌ی وضعی در خصوص این نوع بزهکاران کارآمد نیست (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۴۴).

گروه دیگری از بزهکاران، دارای ضریب هوشی بالا هستند؛ هرچند ممکن است این افراد در وهله‌ی نخست در نتیجه‌ی مانعی، از ارتکاب عمل مجرمانه منصرف شوند، اما بلافاصله در ذهن خود نحوه‌ی مواجهه با مانع و عبور از آن را طراحی می‌کنند. پیشگیری وضعی نمی‌تواند در جلوگیری از وقوع جرایم این بزهکاران نیز مؤثر واقع شود؛ زیرا، حدود کارآیی اقدامات پیشگیری وضعی بر این فرض مبتنی است که فردی که در نتیجه‌ی بروز موانعی از محقق ساختن اندیشه‌ی مجرمانه منصرف شده، در اقدامات بعدی نیز نسبت به شرایط مشابه به همین نحو اقدام خواهد کرد. این در حالی است که رفتار تعدادی از بزهکاران حرفه‌ای که انتخاب‌های آنان در طول زمان تغییر می‌یابد، این گونه نیست. این بزهکاران در صورت مواجهه با مانع، تلاش می‌نمایند آن را از سر راه برداشته و از آن عبور کنند؛ لذا تدابیر پیشگیری وضعی را دور زده و آن را پشت سر می‌گذارند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۴۳).

نتایج پژوهش‌های مختلف بیانگر آن است که در محاسبه‌ی کوتاه‌مدت شماری از بزهکاران که دارای انگیزه‌های غیرعقلانی‌اند، سهمی از عقلانیت وجود دارد (Duff & Marshall, 2000: 254). اما این موضوع درباره‌ی تمام بزهکاران صادق نیست. لذا به نظر می‌رسد که دو گروه از بزهکاران به دلایل متفاوت، مشمول آن نشوند: بزهکاران نابخرد و بزهکاران بس خردمند.

۱-۵-۱. بزهکاران نابخرد

برایت^۱ معتقد است که چنانچه پیشگیری وضعی بتواند نسبت به هفتاد درصد جرایم شناخته شده قابل اعمال باشد، در مقابل نسبت به طیف گسترده‌ای از جرایم خشونت‌بار مانند تجاوز به عنف، خشونت در خانواده، جرایم اطفال، جرایم نژادپرستانه و تمامی جرایمی که تحت تأثیر یک «غلیان» به وقوع می‌پیوندد، مؤثر نخواهد بود (Bright, 1992: 225).

هرچند این پیشنهاد، با توجه به خصیصه‌ی بسیار کلی آن، نمی‌تواند دقیق

1. Bright

باشد، اما از جهت توجه به تنوع انگیزه‌های بزهکاران واجد اهمیت است. بر این اساس از آن‌جا که چنین وضعیت‌هایی را نمی‌توان در ابتدا مشخص کرد، امکان استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی نیز وجود ندارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱۹).

۲-۵-۱. بزهکاران خردمند

کارایی اقدام‌های پیشگیری وضعی بر این فرض استوار است که هنگامی که یک بزهکار بالقوه برای نخستین بار در نتیجه‌ی برخورد با مانع ایجاد شده، از ارتکاب عمل مجرمانه منصرف می‌شود، در آینده نیز برای هر بار که به همین نوع اقدام پیش‌گیرانه برخورد کند، واکنش مشابهی از خود نشان خواهد داد. در حالی که رفتار بعضی از بزهکاران حرفه‌ای که انتخاب آنان در طول زمان شکل می‌گیرد، این‌گونه نیست. در واقع این قبیل بزهکاران به هنگام مواجهه با یک مانع جدی تلاش می‌کنند تا در آینده از آن عبور نمایند، به نحوی که بین بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه، میان شیوه‌های پیچیده‌ی ارتکاب جرم و شیوه‌های پیشگیری وضعی نوعی رقابت برقرار می‌شود؛ رقابتی که سرانجام آن قابل پیش‌بینی نیست.

فراتر از قلمرو بزهکاری حرفه‌ای، پدیده‌ی مشابهی در بعضی جرایم «مبتنی بر هوس» را می‌توان مشاهده نمود؛ مانند سرقت خودرو از سوی جوانان سرخوش. در این گونه جرایم دسترسی سریع و آسان بزه‌کاران به وسایل خنثی‌کننده‌ی تدابیر پیش‌گیرانه، صاحبان و سازندگان خودرو را وادار می‌نماید تا تجهیزات کامل‌تر و مؤثرتری بر روی آن‌ها نصب نمایند.

بنابراین با یک «دید بینابین و میانه‌رو»^۱ باید به موضوع نگریست و نه با یک دید عام‌الشمول و قابل تسری به تمام بزهکاران. هم‌چنین در مواردی که بزهکاران بر تدابیر پیشگیری وضعی موجود غلبه می‌کنند، باید پدیده‌ی جابه‌جایی یا انتقال بزهکاری که میزان کارایی پیشگیری وضعی را زیر سؤال می‌برد، مورد توجه واقع شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸۴۳).

جرم‌شناسانی مانند کارول و ویور معقول بودن و حسابگری مجرمان را در معنی مطلق آن رد کرده و معتقدند: «یافته‌های نظری و عملی بیانگر آن است که

1. Middle Range Theory.

قبول حسابگری به عنوان یک مفهوم مطلق در مجرمان، امری اشتباه است» (Car-roll, Weaver, 1986: 186).

به نظر می‌رسد در اعتقاد به حسابگری فرد بزهکار باید تا حدی احتیاط نمود و پذیرفت که نمی‌توان تمام اقدامات مجرمانه‌ی افراد را بر مبنای این قاعده تعبیر و تفسیر نمود؛ بلکه این معیار، معیاری میانه برای ارزیابی اقدامات مجرمان محسوب می‌شود. بدین ترتیب، باید اذعان داشت که تدابیر پیشگیری وضعی که بر اصل حسابگری مجرمانه مبتنی باشد، تنها قادر خواهد بود طیف بزهکاران دارای ضریب هوشی متوسط که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهد، را تحت پوشش قرار دهد.

۶-۱. جابه‌جایی جرم

پیشگیری وضعی از جرم بر این دیدگاه مبتنی است که رفتار مجرمانه با گسستن یک حلقه از زنجیره‌ی حوادث و وقایع، قابل خنثی شدن است. بر این اساس، در صورتی که در نتیجه‌ی اتخاذ تدابیر وضعی، جرمی خنثی یا عقیم شود، این اطمینان خاطر وجود ندارد که مجرم بالقوه، برای ارتکاب جرم به دنبال فرصت دیگر در جای دیگر نخواهد رفت. تدابیر اتخاذی از سوی این نوع پیشگیری، سبب جابه‌جایی فعالیت‌های مجرمانه در مکان، شیوه‌ی ارتکاب و نوع جرم می‌شود. این نتیجه ممکن است موجب دلخوشی شهروندان در حفاظت از اموال خود یا اشخاص گردد، اما برای سیاست‌گذارانی که هدف آن‌ها کاهش وقوع جرم در جامعه است، چندان خوشایند نیست؛ جابه‌جایی جرم موجب شده است طرفداران پیشگیری وضعی با انتقاد مواجه شوند.

اساس پیشگیری وضعی، حذف یا کاهش فرصت ارتکاب جرم است، اما باید توجه داشت که از بین رفتن یک فرصت، انگیزه‌ی مجرمانه یا عوامل مؤثر دیگر در ارتکاب جرم را از میان نمی‌برد؛ ممکن است مجرم بالقوه، به دنبال فرصت مناسب دیگر برای ارتکاب همان جرم یا جرم دیگر باشد. این است که بحث موقتی بودن یا به اصطلاح مُسکن بودن اقدامات پیش‌گیرانه‌ی وضعی مطرح می‌شود. بسیاری از منتقدان این نوع پیشگیری، معتقدند پیشگیری وضعی در همان زمان و مکان اجرا،

نتیجه‌بخش بوده و آثار پیرامونی ندارد؛ این پیشگیری مختص مقطع زمانی خاص بوده و تا زمانی که اقدامات تقویت‌کننده‌ی آماج جرم وجود دارد، آثار پیش‌گیرانه‌ی آن قابل توجه نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۶۶)، به گونه‌ای که به محض برداشتن این حمایت، امکان بزه‌دیدگی و به تبع آن ارتکاب جرم، رو به فزونی می‌گذارد.

منتقدان پیشگیری وضعی، استدلال می‌کنند که در نتیجه‌ی تحقیقات انجام شده، در این نوع پیشگیری ادعای کاهش آمار جرم با جابه‌جایی جرم منتفی است؛ چرا که بزه‌کاران توجه خود را به مکان، زمان و آماج دیگر معطوف نموده، از شیوه‌های متفاوت یا ارتکاب جرایم دیگر استفاده می‌نمایند؛ هم‌چنین پیشگیری وضعی، موجب افزایش تدریجی ارتکاب جرم می‌شود؛ مانند این که بزه‌کاران به شیوه‌های بسیار خطرناک‌تر برای رسیدن به اهداف خود متوسل می‌شوند. حتی در فرض عدم حدوث فوری جابه‌جایی، بزه‌کاران در طولانی‌مدت برای فرصت‌های کاهش یافته، با یافتن شیوه‌های جدید، خود را با ارتکاب جرم تطبیق می‌دهند (Bright, 1992: 228).

کرنیش و کلارک در پاسخ به این ایراد معتقدند: در برداشت‌های جبرپندارانه از رفتارهای انسان که مبتنی بر نیازهای درونی فرد، مانند نظریات فروید و لرنز، یا مسائل زیستی و وارثی یا یادگیری در دوران کودکی است، جرم محصول اجتناب‌ناپذیر عوامل درونی و بیرونی است. بنابراین، جابه‌جایی جرم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اما در نظریه‌ی انتخاب عقلانی، جابه‌جایی جرم محصول تصمیم (آگاهانه) مرتکب فرض می‌شود. زیرا فرد با اراده، سود و زیان جرایم جانشین یا اهداف جانشین را می‌سنجد. در نتیجه جابه‌جایی جرم در مواردی امکان‌پذیر است که این محاسبه به سود مجرم باشد و آلا در سایر موارد قطعاً چنین نخواهد شد (Clarke, Cornish, 1985: 1995).

حتی اگر در چنین مواردی، جابه‌جایی جرم رخ دهد، باز می‌توان پیشگیری را موفق دانست؛ زیرا، دست‌کم ارتکاب جرم به تأخیر می‌افتد، در اثنای این تأخیر امکان بروز وقایع مختلف وجود دارد؛ نتیجه‌ی هر یک از آن‌ها می‌تواند پیشگیری از وقوع جرم یا در حکم آن باشد؛ مانند فرضی که سرقت از یک منزل یا یک خودروی خاص به خاطر پیچیدگی قفل‌های به کار رفته در آن‌ها به طول می‌انجامد یا خنثی کردن آن‌ها سر و صدا ایجاد می‌کند و در این زمان صاحبخانه، همسایه، پلیس یا دیگری از

وقوع جرم آگاه می‌شود و سارق به ناچار می‌گریزد؛ نتیجه‌ای که با اعمال رویکردهای دیگر قابل حصول نیست و یا حداقل قابل محاسبه نیست. بنابراین، زمانی که فرصت‌ها به نحوی از مرتکبان احتمالی گرفته شود یا به عبارتی آماج‌ها مورد محافظت قرار گیرد، احتمال ارتکاب جرم تا حدی کاهش خواهد یافت.

۲. چالش‌های حقوق بشری پیشگیری وضعی از جرم

اندیشه‌ی رعایت حقوق بشر قدمتی به درازای تمدن انسانی دارد؛ اندیشه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید؛ حکومت‌ها نیز در تلاشند با منطبق کردن اقدامات خود، از مقررات حقوق بشری تبعیت نمایند. این مسأله در مواردی که حقوق افراد در میان باشد، نمود بیشتری می‌یابد. به شرح آتی محدودیت‌های حقوق بشری اجرای تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی بررسی می‌شود.

۲-۱. نقض حریم خصوصی و حق خلوت

یکی از مسائلی که امروزه و همراه با رشد جامعه‌ی بشری جایگاه‌ی ویژه‌ی یافته است، بحث حریم خصوصی افراد و حق خلوت^۱ آنان است. در حقیقت این خط قرمز، مبین جایگاه فردی اشخاص در رابطه‌ی با یکدیگر و حکومت‌ها است. عقیده بر این است که پیشگیری وضعی آزادی‌های فردی را از طریق تحدید فضاهای عمومی و محیط‌های مورد نظر، با حضور عوامل و نهادهای دولتی و خصوصی متولی و متخصص تأمین امنیت و نهادهای مشارکتی محلی، محدود می‌کند. لذا از آن جا که در این نوع پیشگیری اصل بر پایش رفتار و حرکات افراد بوده و به کیفیت زندگی خصوصی افراد مرتبط است، حقوق انسان‌ها خدشه‌دار می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۸۳).

از سوی دیگر، پیشگیری وضعی نمایانگر یک جامعه‌ی محصور، نظامی و دژگونه است. طبیعتاً در چنین جوامعی قابلیت دسترسی ساکنان به فضاهای آزاد، محدود شده تا بزه‌کارانی که به دنبال فرصت ارتکاب جرم‌اند، از ارتکاب جرم دور نگه‌داشته شوند. قابلیت دسترسی به پارامترهایی مانند دیوارها یا حصارها، درها و

گاهی اوقات توسط نیروهای امنیتی کنترل و نظارت می‌شود؛ امری که در جوامع فزونی یافته و به سرعت گریبانگیر کشورهایمانند ایالات متحده شده است. آمارها نشان می‌دهد شمار افرادی که در چنین فضاهای محصوره‌ی سکنی‌گزیده‌اند، از مرز دو و نیم میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ فراتر رفته است (Blakely, 1998: 19). بر این گونه جوامع همواره به دلیل محدود نمودن آزادی و دسترسی آسان و عادی افراد به خیابان‌ها انتقاد شده است (Von Hirsch, 2000: 77).

بدین ترتیب، می‌توان گفت این نوع پیشگیری، خطر تجاوز به حریم خصوصی و خلوت افراد را که مورد حمایت ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۱ و ماده‌ی ۱۷-۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، به دنبال داشته و ممکن است آثار نامطلوبی برای حقوق و آزادی‌های افراد به بار آورد. به عبارت دیگر، تدابیر پیشگیری وضعی با اعمال آزادی‌های فردی، باز بودن فضای کار و زندگی، آزادی رفت و آمد افراد در عین ناشناخته باقی ماندن و آزادی حمل و نقل اموال که در یک جامعه‌ی قانون‌مدار و مردم‌سالار یک ارزش و دستاورد تخطی‌ناپذیر تلقی می‌شوند، سازگاری ندارد.

استفاده از فن‌آوری‌های نوین مانند دوربین‌ها و چشم‌های الکترونیکی و نظارت ویدئویی که تمام رفت و آمدها را ثبت و ضبط نموده و امکان پردازش و سوءاستفاده از این صحنه‌ها را برای ناظران و عوامل دولتی، به ویژه در دولت‌های بی‌اعتنا به قانون‌مداری، فراهم می‌کند، با آزادی رفت و آمد موضوع ماده‌ی ۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۲ و نیز ماده‌ی ۱۲-۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ مغایر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۸۳).

بنابراین مشاهده می‌شود پیشگیری وضعی و تدابیری که از سوی این نوع پیشگیری ارائه می‌گردد، عرصه را بر افراد برای داشتن یک زندگانی آزادانه تنگ نموده و به نوعی آن‌ها را در قید و بند اقداماتی قرار می‌دهد که ایجاد محدودیت برای افراد نتیجه و نمود بیرونی آن است.

۱. «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و مکاتبات خود مورد تعرض خودسرانه واقع شده و شرافت و آبرویش مخدوش گردد».
۲. «هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند».
۳. «هر کس که به طور قانونی در قلمرو کشوری باشد، حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه‌ی مسکن خود را خواهد داشت».

۲-۲. نقض آزادی‌های مدنی

آزادی‌های مدنی و امنیت دو رکن اصلی و بنیادین در هر کشور متمدن محسوب شده و از آن‌ها با عنوان پایه‌های زندگی بشری در عصر حاضر یاد می‌شود (Landes, 1977: 281). از این رو، محدود شدن آزادی‌های مدنی و بروز ناامنی در نتیجه‌ی اجرای برنامه‌های پیش‌گیری وضعی، ایجاد جامعه‌ای از نوع «برادر بزرگ»^۱ را به دنبال دارد.

طبق این دیدگاه، پیش‌گیری وضعی دیدگاه «برادر بزرگ» را ترویج نموده و آزادی‌های شخصی را محدود می‌کند. تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی، پیدا شدن «جامعه‌ی دژگونه» و بازرسی‌های مداخله‌جویانه را به همراه دارد. دوربین‌های مداربسته، ترس از تجسس پلیس را در ارتباط با فعالیت‌های روزمره افزایش می‌دهد. دوربین‌های کنترل سرعت می‌توانند اطلاعاتی در خصوص مکان و زمان رانندگی، ارائه دهند. نمایشگرهای تلفن تماس‌گیرندگان محل تقریبی تماس‌گیرنده را برخلاف خواست وی نشان می‌دهند. در ذهن منتقدان این فن‌آوری‌ها قدرت را در اختیار دولت‌هایی قرار می‌دهد که تنها قصد کنترل جرم را از طریق سرکوب دارند.

این ترس ممکن است در جوامع اقتدارگرا قابل توجیه باشد، اما در جوامع دموکراتیک این وضعیت تحمل‌ناپذیر است؛ البته باید توجه داشت که افزایش تدابیر پیش‌گیری وضعی، ممکن است ترس از ارتکاب جرم را در شهروندان افزایش داده یا برعکس ممکن است این ترس را با اقداماتی چون بهبود روشنایی خیابان‌ها یا معماری فضای قابل دفاع کاهش دهد.

به طور کلی، پیش‌گیری وضعی تغییر سبک زندگی، کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعات فعالیت روزانه، محل‌های رفت و آمد، انصراف از برخی علائق و آرزوها مانند داشتن خودروهای گران‌قیمت که برای سازقان حرفه‌ای و سوسه‌انگیز هستند، را به دنبال دارد. برخی حقوق و آزادی‌ها تحت تأثیر تدابیر وضعی، محدود و یا حتی از میان می‌روند؛ تدابیری که می‌توانند هر گونه تحرک و حتی هر نوع نقشه‌ای

۱. جرج اورول در کتاب خود با نام ۱۹۸۴ «برادر بزرگ» را به عنوان شخصی با نفوذ و پر قدرت معرفی کرده که از طریق عوامل گمنام همه جا حاضر خود در تمامی شؤون زندگی افراد و جامعه حضوری همه‌جانبه و نامرئی دارد. «برادر بزرگ» به سادگی هرگونه تصمیم‌گیری و مداخله در زندگی خصوصی افراد و نظارت بر رفت و آمد و طرز تفکر آنان را حق خود می‌داند؛ بدون آن‌که برای این حق محدودیتی قائل باشد.

را با تجهیزات قوی نظارت الکترونیکی و پیشرفته شناسایی و کنترل کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۸۲).

پرسش این است که آیا حقوق بشر و آزادی‌های فردی مردم می‌تواند در فرآیند اجرای اقدامات پیش‌گیرانه‌ی وضعی مورد تعرض قرار گیرد؟ اقداماتی که احساس امنیت را در جامعه، برای مردم ملموس‌تر می‌نماید؛ طرفداران پیشگیری وضعی از جرم در مقام پاسخ بر این باورند که آزادی‌های دموکراتیک با توسعه‌ی فن‌آوری در هم آمیخته است؛ استفاده از این فن‌آوری‌ها برای نظارت دولت مفید است؛ زیرا مردم در صورت مصونیت از جرم، محدود شدن برخی از آزادی‌های خویش یا تحمل برخی از ناملایمات در زمینه‌های خاص را می‌پذیرند. برای مثال، امنیتی که در فرودگاه‌ها برای کنترل پرواز هواپیماها در بسیاری از اوقات ناراحت‌کننده می‌نماید، تحمل‌پذیر است؛ زیرا این کنترل و مراقبت توسط نمایشگرهای محتویات داخل ساک‌ها کاهش آمار هواپیمارمایی موجب می‌شود (Wilkinson, 1978: 25).

برخی بر این عقیده‌اند که استفاده‌ی بیش از حد از تدابیر پیشگیری وضعی رشد بیگانگی مردم و تخریب جوامع را موجب می‌شود (Felson, 1998: 286)؛ چرا که بیشتر تدابیر پیشگیری وضعی از طریق توانمندسازی افراد برای نظارت بر محیط پیرامونی خود، مخالف اهداف تقویت علقه‌ها و کنترل اجتماعی^۱ است. این امر هدف طراحی «فضای قابل دفاع»^۲ را که توسط اسکار نیومن^۳ در سال ۱۹۷۲ برای اماکن مسکونی پیشنهاد شده بود، به یاد می‌آورد.^۴

۱. نظریه‌ی پیوند (علقه‌های اجتماعی توسط هیرشی در سال ۱۹۶۹ مطرح گردید؛ به موجب این نظریه، انسان ذاتاً منحرف است. ناهمنوایی و پشت نمودن به هنجارها در ذات انسان‌ها است. اصل بر این است که انسان هنجارشکن است و همنوایی و قانون‌گرایی استثنا است. به نظر هیرشی نقض هنجارها، جذاب، لذت‌آور و در عین حال سودآور است. وی به دنبال بیان انگیزه‌هایی است که افراد را به سمت پذیرش رفتار بهنجار سوق می‌دهد. چه چیزی سبب می‌شود انسان قانون‌نگرا شود؟ هیرشی معتقد است که ما باید انواع کنترل‌ها و روابط و موانع سبب این کار را بررسی کنیم. به عقیده‌ی او علقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مانند زناشویی و دوستی، همکار بودن، نقش کنترل‌کننده‌ی عمده‌ای در عدم ارتکاب جرم ایفا می‌کنند. به هر میزان که این روابط و دلبستگی‌ها در فرد ضعیف باشد، استعداد او برای ارتکاب جرم بیشتر است. در این خصوص می‌توان از نظریه‌ی کف نفس (رکلس) نیز یاد کرد؛ این نظریه در خصوص عوامل بازدارنده‌ی درونی و بیرونی است که نقش‌های مشابهی را ایفا می‌نمایند.

2. Defencible Space

3. Oscar Newman

۴. از سال ۱۹۲۰ به این سو، محققان در دانشگاه شیکاگو شروع به ثبت چگونگی آمار جرم در مناطق خاصی از شهرها، حتی با توجه به بافت جمعیتی آن‌ها، نمودند. این مطالعات به این نتیجه منجر شد که این سرشت افراد به تنهایی نیست که میزان بی‌نظمی و وقوع جرم را رقم می‌زند، بلکه برخی از شرایط محاط بر آن‌ها نیز در

انتقاد ایجاد جامعه‌ی دژگونه، در نتیجه‌ی کاهش میزان جرایم ارتكابی با عقب‌نشینی مواجه شد؛ اما منتقدان هنوز مدعی‌اند که پیش‌گیری وضعی موجب می‌شود افراد ثروتمندتر بتوانند خود را از صدمات جرم در امان دارند. این انتقادات سه شکل خاص به خود می‌گیرد: نخست این‌که، افراد فقیر در نتیجه‌ی اقدامات ثروتمندان برای محافظت از خود دچار رنج و آزار روحی می‌شوند؛ دوم این‌که، افزایش شمار جوامع محصور - که به واسطه‌ی ترس از جرم به وجود آمده - شکاف طبقاتی بیشتر را در جامعه موجب می‌شود؛ سوم این‌که، استفاده از پیش‌گیری وضعی، به انزوای افرادی مانند ولگردان، صغار، جوانان بیکار و عضو گروه‌های تبهکاری، که ناخواسته بر چسب خورده‌اند، منجر می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان به شکل ساده‌تر به قضیه نگریست؛ به هر میزان که حفاظت از یک محیط بیشتر باشد، ترس در آن محیط بیشتر خواهد شد؛ افراد همواره احساس می‌کنند که خطر در کمین آن‌ها بوده و دولت و نیروی پلیس قادر به کنترل و حفظ امنیت شهروندان نیست. بنابراین، زیاده‌روی در به کارگیری روش‌های پیش‌گیری وضعی، ترس از جرم به ویژه در افراد سالخورده را موجب شده و انزوای کامل آنان و افراد ضعیف و ناتوان را به دنبال دارد (معظمی، ۱۳۸۶: ۹۹).

در واقع، افزایش اقدامات امنیتی آشکار، موجب می‌شود تا افراد و شهروندان عادی به خاطر ترس از بزه‌دیدگی، کمتر به خیابان‌ها و پیاده‌روها قدم بگذارند. این‌گونه رفتارهای احتیاط‌آمیز قابلیت همسایگان را در مراقبت، مداخله و سایر فعالیت‌هایی که برای پیش‌گیری از جرایم خیابانی سازماندهی شده، از بین می‌برد. نگرانی دیگری که درباره‌ی پیش‌گیری وضعی جرم وجود دارد، جهت‌گیری یک‌سویه‌ی آن در کاهش جرم است. پایین بودن نرخ جرم، در صورتی که به قیمت وحشت‌زدگی مردم یا افزایش ترس آنان تمام شود، چندان موجب آسایش و آسودگی خیال نیست (پرویزی، ۱۳۸۱: ۱۶۴). هم‌چنین این نوع پیش‌گیری، سبب ترویج گوشه‌گیری و ایجاد جامعه‌ای بسته شده و این همان ایرادی است که به دنبال ایجاد

ایجاد بی‌نظمی مؤثر بوده و وقوع جرم را موجب می‌شود. این تحقیقات سبب ارائه‌ی نظریه‌ای با عنوان «فضای قابل دفاع» از سوی اسکار نیومن گردید؛ وی معتقد است که بافت محیطی و شهری در میزان امنیت و تحقق یا عدم تحقق جرم نقش دارد؛ لذا بافت شهری مذکور باید به گونه‌ای باشد که امکان دفاع از افراد در مقابل جرایم از طریق شیوه‌ی ساخت ابنیه و نظارت همسایگی از رهگذر امکان پایش همسایگان و رهگذران را فراهم آورد.

تغییرات فیزیکی و محیطی در ساختمان‌ها، تغییر در سبک و شیوه‌ی زندگی مطرح شد.

۲-۳. تجویز برخوردهای تبعیض آمیز

پیشگیری وضعی مستلزم سرمایه‌گذاری کلان است. نصب دزدگیر بر روی خودرو یک هزینه‌ی مضاعف بر مالک خودرو تحمیل می‌نماید. نصب دوربین و استخدام سرایدار متضمن هزینه‌ای است که ممکن است ساکنان ساختمان‌ها قادر به پرداخت آن نباشند. از این رو، می‌توان گفت که پیشگیری وضعی نوعی تبعیض امنیتی برای افراد ایجاد می‌نماید؛ به گونه‌ای که افراد ثروتمند و مؤسسات عمومی و خصوصی قوی و ثروتمند بهتر می‌توانند خود را برابر جرم مصون نگاه دارند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۱۲). هم‌چنین به‌کارگیری تدابیر حفاظت شخصی توسط این گروه از افراد، جرم را به سمت افراد متعلق به طبقه‌ی اجتماعی پایین و حتی متوسط جامعه سوق خواهد داد. این امری است که برخی از متفکرین مانند یونگ^۱ به آن اشاره نموده و اظهار داشته‌اند: هزینه‌ی سنگین تدابیر پیشگیری وضعی موجب جابه‌جایی و سرازیر شدن جرایم از مناطق ثروتمندنشین به مناطق فقیرنشین می‌گردد؛ برخی از این هزینه‌ها به حدی گزاف است که فقط تعداد اندکی از متمولین قادر به استفاده از آن هستند (Young, 1990: 289).

در پیشگیری وضعی به دلیل این که افراد جامعه ناگزیرند تدابیر پیشگیری وضعی را با هزینه و مسؤولیت خود به کار گیرند و به دیگر علل و عوامل جرم توجهی ننمایند، وظیفه‌ی پیشگیری از جرم بر دوش بزه‌دیدگان بالقوه گذاشته می‌شود و مقصر بودن مجرمان و عوامل جرم‌زای اجتماعی دیگر نادیده گرفته شده و از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی که منجر به وقوع جرم می‌شود، غفلت می‌گردد.

برآمد

مبارزه‌ی کیفری علیه جرم به رغم داشتن معایب، نواقص و مشکلات، در جای خود ضروری و مؤثر است، به همین نسبت تدابیر پیش‌گیرانه از جمله پیش‌گیری وضعی نیز به ایفای نقش خود می‌پردازد و با استفاده از راهبردهای خاص، کاهش آمار جرم را در جامعه دنبال می‌کند. آنچه بیش از هر چیز در به کارگیری تدابیر پیش‌گیری وضعی باید مورد توجه و وجهه‌ی همت سیاستگذاران جنایی قرار گیرد، از یک سو تقویت ابعاد مثبت آن از طریق برنامه‌های مطالعه شده و علمی و از سوی دیگر، به حداقل رساندن جنبه‌های منفی این نوع پیش‌گیری از طریق اجرای صحیح و به ویژه قانونمند تدابیر محدودکننده است، تا بدین وسیله ایرادهای جرم‌شناختی و چالش‌های حقوق بشری آن به حداقل برسد.

واقعیت این است که در حال حاضر دولت‌ها و جامعه‌ی مدنی گام‌های مثبتی در راستای کاهش برخی از آثار منفی برنامه‌های پیش‌گیری وضعی برداشته‌اند، اما چالش‌های نظری و موانع عملی هم‌چنان باقی است. به عنوان نمونه، در حال حاضر همکاری نهادهای دولتی و مدنی در پیش‌گیری از جرم، موجب شده است که بخش عمده‌ای از هزینه‌ها بر افراد عادی تحمیل نشود، اما به رغم این همکاری‌ها، غالب شهروندان ناخواسته هزینه‌های مادی این نوع پیش‌گیری را تحمل می‌نمایند؛ در واقع، ایراد اقتصادی تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی، به وضوح خودنمایی می‌کند.

ایراد تبعیض‌آمیز بودن این نوع پیش‌گیری نیز با توجه به آنچه در خصوص ضرورت استفاده از وسایل و فن‌آوری‌های جدید در زندگی روزمره‌ی مردم گفته شد، شاید قابل پاسخ‌گویی باشد، اما این پاسخ صرفاً توجیهی است برای ترویج تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی و این ایراد هم‌چنان به قوت خود باقی است.

در ایران پیش‌گیری وضعی چندان مورد توجه واقع نشده است؛ به گونه‌ای که، صرفاً جلوه‌ای از تدابیر پیش‌گیری وضعی را می‌توان در اقدام نیروی انتظامی برای نصب دوربین‌های مداربسته در محیط‌های مختلف از جمله چهارراه‌ها یا محل‌های پر رفت و آمد، مشاهده کرد. باید توجه داشت که عدم استفاده از تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی ناشی از ایرادها و چالش‌های جرم‌شناختی یا حقوق بشری نیست، بلکه این امر از ناشناخته ماندن یا مشکلات اجرایی این تدابیر برای متولیان امر پیش‌گیری نشأت

می‌گیرد.

هرگاه این‌گونه اقدامات نیروهای انتظامی یا مراجع دیگر، بدون استناد به قوانین و مقررات مدوّن و یا بدون بررسی‌های کارشناسی مستمر و دقیق صورت گیرد، دشواری‌ها و معضلاتی را در پی خواهد داشت؛ این امر از یک سو آزادی‌های مشروع شهروندان را تهدید می‌کند و از سوی دیگر، هزینه‌های انسانی و مادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. بنابراین، برای اجتناب از ایرادهای اساسی پیشگیری وضعی، ضروری است که ابتدا ضوابط اجرای پیشگیری، قانونمند شده و سپس مقامات مسؤؤل، زمینه‌های اجرای پیشگیری وضعی را بر اساس تأیید اهل فن و پژوهش شناسایی و اجرا کنند. موضوع دیگر آن‌که، توسل به هر اقدامی برای اعمال این نوع پیشگیری، ابتدا باید در سطح محدود اجرا شده و در صورت موفقیت‌آمیز بودن، در سطح گسترده‌تری به اجرا گذارده شود. چرا که این امر، افزون بر تضمین سلامت اجرای طرح‌های پیشگیرانه از تحمیل هزینه‌های سنگین احتمالی جلوگیری می‌کند.

فهرست منابع

الف: فارسی

- ۱- پرویزی، رضا، *پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل*؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۱.
- ۲- خانعلی پور واجارگاه، سکینه، *پیشگیری فنی از جرم*، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۳- صفاری، علی، «*مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰.
- ۴- گسن، ریمون، «*روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل وضعی و کنترل جرم*»، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۱۹-۲۰، ۱۳۷۰.
- ۵- معظمی، شهلا، «*پیشگیری جرم‌شناختی*»، فصلنامه‌ی پژوهشی تحلیلی آموزشی مجد، تهران، ۱۳۸۶.
- ۶- میرخلیلی، سید محمود، *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام*، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «*بزهکاری و پلیس محلی*»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۵-۲۶، ۱۳۷۸.
- ۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری*، دوره‌ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «*پیشگیری عادلانه از جرم: علوم جنایی*»، مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، سمت، ۱۳۸۲.
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی*، دوره‌ی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۲.
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی*، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

ب: انگلیسی

- 1- Blakely, E.J; Snyder, M.G, *Separate Places: Crime and Security in gated communities*, In M. Felson and R. Peiser [eds] Reducing Crime Through Real Estate Development and Management, Washington, DC: Urban Land Institute, 1998.
- 2- Bright, Jon, *Crime Prevention in America: A British Perspective*, Chicago: University of Illinois at Chicago, Office of International Criminal Justice, 1992.
- 3- Brody, Stephen R., *The Effectiveness of Sentencing*, Home Office Research Study no. 35, London: H. M. Stationery Office, 1996.
- 4- Carroll, John; Weaver Frances, *“Shoplifter’s Perceptions of Crime Opportunities: A Process-tracing Study”*, In *The Reasoning Criminal*, edited by Derek B. Cornish and Ronald V. Clarke. New York: Springer-Verlag, 1986.
- 5- Clarke, R. V, *Situational Crime Prevention*, In Michael Tonry and David P. Farrington [eds], *Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention*, Crime and Justice, Vol. 19, Chicago, IL: University of Chicago Press, 1995.
- 6- Clarke, Ronald V.; Eck J, *Become a Problem-solving Crime Analyst in 55 Steps*, London: Jill Dando Institute of Crime Science; UCL, 2003.
- 7- Clarke, Ronald V.; Derek, B. Cornish, *Crime Control in Britain: A Review of Policy Research*, Albany: State University of New York Press, 1985.
- 8- Clarke, R. V., *Situational Crime Prevention*. in Michael Tonry and David P. Farrington {eds}, *Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention*. Crime and Justice. Vol. 19. Chicago, IL: University of Chicago Press. 1995.
- 9- Clarke, Ronald R. (ed.), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, Second Edition. New York: Harrow and Heston, 1997.

- 10- Cornish, D.B; Clarke, R.V, "**Opportunities, Precipitators and Criminal Decisions: A Reply to Worthley's Critique of Situational Crime Prevention**", in M. Smith & D.B Cornish, Theory for Situational Crime Prevention, Crime Prevention Studies, Vol. 16, Criminal Justice Press, Monsey, New York.
- 11- Duff, R.A; Marshall, S.E, **Benefites, Burden and Responsibilities**; some Ethical Dimensions of Situational Crime Prevention; in A. Von Hirsch et al. [eds] Ethical and Social Issue in Situational Crime Prevention, Oxford: Hart Publishing, 2000.
- 12- Felson, M., **Crime and Everyday Life**, 2nd edn. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press, 1998.
- 13- Landes, William M., "**An Economic Study of U.S, Aircraft Hijacking, 1961-1976**", Journal of Law and Economics, 21, 1977.
- 14- Lilly, J.R.; Cullen, F.T.; Ball, R.A., **Criminological Theory: Context and Consequences**, Thousan Oaks, CA, Sage Publications, 2007.
- 15- Tilley, Nicholas, "**Crime Prevention and the Safer Cities Story**", Howard Journal of Criminal Justice, 32, 1993.
- 16- Tizard, Jack; Sinclair Ian; Clarke Ronald V., **Varieties of Residential Experience**, London: Routledge & Kegan Paul, 1975.
- 17- Von Hirsch, A; Shearing, C, **Exclusion from Public Space**; in A.Von Hirsch et al.[eds] Ethical and Social Issue in Situational Crime Prevention, Oxford: Hart, 2000.
- 18- Wilkinson, Paul, **Terrorism and the Liberal State**, London: Macmillan. 1978.
- 19- Young, Jock., "**Radical Criminology in Britain: The Emergence of a Competing Paradigm**", British Journal of Criminology, 28, 1990.